سنجش رابطه بین محل سکونت و انحرافات اجتماعی مطالعه موردی: محلات حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین شهر آران و بیدگل

دریافت مقاله:۸۹/۵/۱۷ پذیرش نهایی: ۸۹/۸/۲۸
صفحات: ۲۷- ۷

محسن شاطریان: استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه کاشان[۱]
Email:shaterian@kashanu.ac ir
امیر اشنویی: کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه یزد
Email:amir.oshnooi@gmail.com
محمود گنجی پور: کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه زنجان
Email:ganjimahmood@gmail.com

چکیده

در دوران معاصر، گسترش شهرها، رشد جمعیت شهرنشین و افزایش تضاد و نابرابری‌های اجتماعی موجب انحرافات و کجروی‌های اجتماعی و حاشیه نشینی شده است. با این وجود، در همه ادوار تاریخی میزان و نوع رفتارهای منحرفانه گروه‌های اجتماعی ثابت و به یک اندازه نبوده است. همچنین، مناطق و محلات شهری از نظر پراکنش جغرافیایی آسیب‌های اجتماعی، چهره‌ای یکدست و هماهنگ از خود نشان نمی‌دهند. هدف تحقیق حاضر سنجش رابطه بین محل سکونت و انحرافات اجتماعی در شهر آران و بیدگل می‌باشد. روش تحقیق از نوع اسنادی و پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق را کلیه خانوارهای ساکن در شهر آران و بیدگل تشکیل می‌دهند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۰۰ نفر تعیین گردید. برای محله حاشیه نشین یحیی آباد تعداد ۱۵۰ نفر و محلات غیر حاشیه نشین نیز ۱۵۰ نفر انتخاب و به صورت تصادفی مورد پرسش گری قرار گرفتند. نتایج آزمون T تفاوت میانگین‌های دو متغیر محل سکونت پاسخ گویان و انحرافات اجتماعی را نشان می‌دهد. تفاوت مشاهده شده در بین دو گروه، به لحاظ آماری با توجه به (sig=۰/۰۰۲) و (t= -۳/۱۶۲) معنادار است. همچنین نتایج آزمون واریانس دو متغیره نشان می‌دهد که عملکرد متقابلی میان نوع

---

۱. نویسنده مسئول : کاشان، کیلومتر ۵ بلوار قطب راوندی، دانشگاه کاشان، دانشکده علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی، تلفن: ۰۹۱۳۳۶۱۹۵۷۱

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

محل سکونت، وضعیت کالبدی، سطح سواد، میزان درآمد و پایگاه اقتصادی- اجتماعی در میزان گرایش به انحرافات اجتماعی وجود دارد.

کلید واژگان: حاشیه نشینی، انحرافات اجتماعی، محل سکونت، شهر آران و بیدگل

مقدمه

از دیرباز و در همه تمدن‌ها، شهرنشینی یکی از مشخص‌ترین نمود تکامل جوامع انسانی بوده است (Montgomery, Stren & Cohen, 2003: 75). با شروع انقلاب صنعتی و به دنبال آن گسترش شتابان شهرها، جوامع انسانی ساکن در آن‌ها با مشکلات فراوانی مواجه شدند (Amy and Mark, 2005: 51) دراین میان، شهرگرایی، موجب تغییر مکان کار جمعیت از نواحی روستایی به نواحی شهری شد (Henderson, 2003:3). در واقع هجوم روستاییان به شهرها حاصل عدم تعادل و نابرابری‌ها بین شهر و روستا بوده است. به عبارتی می‌توان گفت حاشیه نشینی مولود ناخواسته همین نابرابری‌هاست. حاشیه نشینی به موقعیتی از نابرابری اطلاق می‌شود که در آن طبقات مسلط اقتصادی- سیاسی به طور منظم و مداوم گروه‌ها و طبقات تحت نفوذ حاکمیتی خود را از برخورداری منابع و منافع و امتیازات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی محروم می‌دارند. از این رو، حاشیه‌نشینی به عنوان آیینه تمام نمای مسائل شهری، جایگاه و اهمیت خاصی در تحقیقات علمی پیدا کرده است (مهاجرین، ۱۳۸۷: ۲).

بر این اساس، افزایش لجام گسیخته جمعیت شهرنشین و وجود حاشیه نشینی باعث افزایش گرایش به مادی گرایی، کجروی، بی عاطفه گی و بروز بزهکاری می‌گردد و از آنجا که در شهرها افراد شناختی از یکدیگر نداشته و در نتیجه کنترل و نظارت اجتماعی بر عملکرد آنان از میان رفته است موجب شکل گیری نابهنجاری اجتماعی می‌گردد، به گونه‌ای که طبق آمارهای انتشار یافته از سوی برخی موسسات جرم شناسی جهانی شاهد افزایش ۳/۵ درصدی خشونت در شهرها بوده‌ایم. میزان جرایم شهری با توسعه شهرها و افزایش جمعیّت ارتباط مستقیم دارد. به همین خاطر شاهد شکل گیری نقاطی مستعد در پیرامون کلانشهرها می باشیم که به عنوان بهترین پایگاه شکل گیری وترویج ناهنجاری‌های اجتماعی شناخته می شود. بدین ترتیب حاشیه نشینی بعنوان بستری برای ارتکاب جرایم مورد توجه برنامه ریزان شهری قرار گرفته است (خاتم و اطهاری، ۱۳۸۶، ص ۳۵).

در ایران نیز پیدایش نخستین اجتماعات آلونک نشین مربوط به سال ۱۳۱۱ در شهر تهران می‌باشد. اما رشد و گسترش اجتماعات آلونک نشین به بعد از کودتای ۲۸ مرداد به خصوص از

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

سال ۱۳۳۵ به این طرف بر می گردد. نخستین اجتماعات حاشیه نشین در جنوب شهر تهران تمرکز یافتند. براین اساس رشد حاشیه نشینی در دهه های ۴۰ و ۵۰ ابتدا از تهران شروع شده است. گسترش تأسیسات شهری و شبکه‌های ارتباطی و همچنین افزایش درآمد حاصل از نفت، موجب رونق شهرها و ایجاد جاذبه‌های شهری گردید و از سوی دیگر، اصلاحات ارضی و مکانیزاسیون، دافعه‌های روستایی را تشدید نمود و تا به امروز به حیات خود ادامه داده است (پیران، ۱۳۶۷، ص۳۶).

شهر آران و بیدگل نیز، به تبع گسترش شتابان شهرنشینی با پدیده حاشیه نشینی منطقه پیرامونی مواجه شده است، به طوری که سطح زندگی در این منطقه از نظر کیفی، نسبت به سایر مناطق و محله های شهری متفاوت است و در سطح بسیار پایینی قرار دارد. عواملی چون بیکاری، فقر، نداشتن مسکن استاندارد، قرار گرفتن در انزوای اجتماعی، عدم تعلق خاطر و وابستگی به ارزش‌ها، باعث بروز ناهنجاری اجتماعی و گسترش آسیب‌های شهری در این شهر شده است. بنابراین محلات حاشیه نشین در شهر آران و بیدگل، علاوه به اینکه سبب ناهمگونی در سیمای شهری شده، بلکه موجب برهم ریختن تعادل و توازن فرهنگی و گسترش بزهکاری، تعارض، فقر و ناهمگونی اجتماعی- جمعیتی و نظایر این‌ها گشته‌اند. تحقیق حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که آیا بین محل سکونت و انحرافات و کجروی‌های اجتماعی رابطه وجود دارد؟ در مقابل این سئوال پنج فرضیه قابل طرح است که عبارتند از:

۱- بین محل سکونت و انحرافات اجتماعی رابطه وجود دارد.
۲- بین محل سکونت و محیط کالبدی با انحرافات اجتماعی رابطه وجود دارد.
۳- بین محل سکونت و تحصیلات با انحرافات اجتماعی رابطه وجود دارد.
۴- بین محل سکونت و درآمد با انحرافات اجتماعی رابطه وجود دارد.
۵- بین محل سکونت و پایگاه اقتصادی- اجتماعی با انحرافات اجتماعی رابطه وجود دارد.

مبانی نظری

انحرافات اجتماعی شهری، آن بخش از ناهنجاری‌های اجتماعی‌اند که در نتیجه پیدایش شهرنشینی و تشدید مشکلات ناشی از آن‌ها پدیدار گشته و در سطوح مختلف خود موجب آسیب‌های ساختاری و کارکردی برای جامعه شهری می‌شوند. تاریخچه نظریه‌ها و دیدگاه‌های راجع به آسیب‌های شهری به پس از انقلاب صنعتی و بویژه نیمه دوم قرن نوزدهم بازمی‌گردد. از نظر علمای اجتماعی کشور آلمان همچون زیمل‌و تونیس[1] ، رشد شتاب‌آلود کالبد شهرها

1. Zimmel and Tonnies

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

همراه با ظهور تغییرات اجتماعی جدیدی که بر فلسفه مادیگرایانه مبتنی بود، مقدمه تباهی شهرها را فراهم کرد (موسوی، ۱۳۷۸: ۸۶). رابرت مرتون معتقد است که کجروی از آن رو پیش می‌آید که جامعه دستیابی به برخی هدف‌ها را تشویق می‌کند اما وسایل ضروری برای رسیدن به این هدف‌ها را در اختیار تمام اعضای جامعه قرار نمی‌دهد در نتیجه برخی افراد باید هدف-های خاصی برگزینند یا برای رسیدن به هدف‌هایی که فرهنگ جامعه شان تجویز کرده وسایلی نامشروع به کارگیرند (فولادیان، ۱۳۸۵: ۱۰۹).

در نیمه اول قرن بیستم، مقارن با رشد سریع جمعیت شهری و افزایش بی‌رویه ناهنجاری-های اجتماعی، بررسی‌های جغرافیایی ناهنجاری‌های شهری و شناسایی کانون‌های جرم‌خیز، از مباحث مهمّ مسائل اجتماعی گردید (پوراحمد، ۱۳۸۲، ص۵۲).

حاشیه‌نشینی، نوعی سکونت در فضای شهری است که در تمامی ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، کالبدی و حقوقی با سایر انواع سکونت موجود در شهر تفاوت‌های اساسی را نشان می‌دهد (Coit, 1994:116). ناپایداری حاصله از ناکارآمدی ساختار و عناصر سیستم‌های مناطق شهری در کشورهای جهان سوم، ویژگی‌های اساسی را در این سکونتگاه‌ها ایجاد کرده است (Nahiduzzaman, 2006:4). مهمترین این ویژگی‌ها شامل ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و قانونی می باشد (Asia source, 2001).

دیدگاه بوم شناسی شهری

برخی از پژوهشگران به مسأله حاشیه نشینی از دیدگاه بوم شناسی شهری نگریسته اند و تلاش کرده اند تا با توجه به بافت فیزیکی شهر به مکانیزم پیدایش حاشیه نشینی بپردازند (زاهد زاهدانی، ۱۳۸۰، ص۱۳). این دیدگاه بر پایه مکتب شیکاگو شهر را محل تنازع بقا و جای‌گیری مناسب‌تر در بهترین فضای شهری تحلیل می‌کنند.

ارنست برگس و لویس ویرث از مکتب شیکاگو عمدتا پیرامون شهرهای ایالات متحده پژوهش نموده‌اند. به نظر این دو محقق، حرکت طبقات بالا از مرکز شهر به سمت خارج در اثر شلوغی، افزایش تراکم و رشد و هجوم گروه های فقیر تازه وارد و گروه‌های نژادی به جای آن‌ها و تنزل شرایط ساختمانی در اثر کم توجهی مالکین به علت دریافت اجاره بهاء پایین، باعث شکل گیری مناطق حاشیه نشین می گردد. در مکتب شیکاگو نیز، اثر حاشیه‌نشینی بر میزان جرم و جنایت بیان شده است (Haralambos, 1990: 595). هنگامی که از اکولوژی یا روابط انسان با مکان و مسکن وی سخن می‌رود تنها به جنبه مکانی این روابط توجه نمی شود، بلکه از تغییرات و تحولاتی که در روابط انسان و محیط مسکونی او نیز رخ می‌دهد، بحث می‌شود. به

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

طور کلی بوم شناسان شهری پنج مرحله عمده بوم شناختی در شهرها را تشخیص داده اند: تراکم، تمرکز، تمرکززدایی، انشعاب و تهاجم (کوئن، ۱۳۷۰، ص۲۳۴).

در بررسی علل وقوع جرم و جنایت در منطقه در حال تحول، که در حقیقت حاشیه‌نشین محسوب می‌شوند، شاو و مکی در تحقیقات میدانی خود به این نتیجه رسیده‌اند که مشکلات اجتماعی شهر شیگاگو به علت الگوهای کنترل نشده مهاجرت و ایجاد مناطق حاشیه‌نشین است که اهالی این منطقه از فرهنگ کلی جامعه جدا افتاده‌اند. ساکنان این مناطق به اجبار در کنار هم قرار گرفته و دارای همزیستی بیمارگونه هستند. این مناطق در واقع از سایر نقاط شهر جدا افتاده و به حاشیه‌ها رانده شده اند و معیارهای رفتاری و هنجارهای دیگری در آن شکل گرفته است که با فرهنگ مسلط دیگر مناطق شهر در تضاد است. در این مناطق گرایش‌های فرهنگی خاصی استقرار یافته، بطوریکه افراد مرتبا در معرض یادگیری الگوهای موافق قانون‌شکنی هستند. بنابراین تمرکز در این مناطق ناشی از بی‌سازمانی اجتماعی است که نشانگر عدم هماهنگی میان فرهنگ و ساخت اجتماعی می‌باشد (نصیری، ۱۳۸۲، ص۸۶). خصوصیات این مناطق، فرسودگی فیزیکی ساختمان‌ها، تمرکز فقر، جدایی گزینی قومی و نژادی، اختلال‌های روحی و بیماری‌های جسمی و عدم تعلق محلی است (McKay and Shaw, 1962: 43).

در این زمینه مارشال کلینارد نظریه های حاشیه نشینی را به دو دسته تقسیم می کند. الف) تغییر در نحوه استفاده از زمین ب) کمبود و عدم تعمیر و نگاهداری صحیح از آن.

مکین تاش در همین دسته از نظریات در نظریه حاشیه نشین چهار عامل محیط فیزیکی اطراف خانه، شرایط فیزیکی خانه، ساکنان خانه، صاحب خانه را مورد توجه قرار می دهد. وی اعتقاد دارد با بهبود شرایط فیزیکی می‌توان به مساله حاشیه‌نشینی پایان داد(ربانی، ربیعی، ۱۳۸۹، ص۴۵).

در همین زمینه، در سال‌های اخیر نیز برای بررسی ناهنجاری‌های شهری شاخص‌ها و متغیرهایی به کار گرفته می‌شود که تفاوت اکولوژیک محله‌های شهری را به‌خوبی نشان می‌دهند (شکویی، ۱۳۶۵: ۸۹). شاخص‌های مربوط به سطح پایگاه اقتصادی- اجتماعی، نوع اشتغال ساکنان از نظر مشاغل علمی- تخصصی یا مشاغل ابتدائی، بیکاری و سطح درآمد از بهترین متغیرها برای شناسایی محله‌ها و درک رابطه آن‌ها با ناهنجاری‌ها و جرایم شهری به‌شمار می‌آیند. محمد حمصی و توماس کسلر (۱۹۹۷) با همین شیوه به بررسی رابطه مواد مخدر، سرقت، فحشا، شرارت و تبهکاری با متغیرهای درآمد، تراکم جمعیت، بهای مسکن و بیکاری پرداختند. پژوهش این دو نشان داد که بیشترین جرایم شهری در بخش مرکزی و مناطق گذار شهر فارگو کانادا مشاهده شده و میان جرایم با درآمد و بهای مسکن ارتباط وجود

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

دارد، به‌طوری که جرم‌خیزترین مناطق در نقاطی قرار دارند که مساکن آن‌ها بهای کمتری دارد و معمولاً از انواع مجتمع‌های استیجاری‌اند که برای افراد کم‌درآمد احداث شده‌اند.

نظریه کنش پارسونز

پارسونز که نسبت به بسیاری دیگر کلاسیک‌ها نسبتا به جامعه جدید و تحولات آن خوش بین است، جامعه شهری جدید را جایی می بیند که افراد در آن به دور از کنش‌های عاطفی و خاص گرایانه سنتی با یکدیگر به تعامل می‌پردازند (پارسونز، ۱۳۸۱ و ازکیا، ۱۳۸۰، صص۹۸). وی در مقاله ساختارهای اساسی اجتماع به طور دقیق اهمیت موقعیت‌های ارضی متفاوت را برای عاملان بررسی می‌کند. در اندیشه پارسونز، روابط اجتماعی با عناصر فیزیکی و آرایش ارضی گره خورده است. وی اشاره می‌کند که جهت گیری دو عامل وجه اجتماعی کنش و موقعیت فیزیکی همواره مرتبط با ارگانیزم است، این بدین معناست که موقعیت ارضی ذاتاً در تمام کنش‌ها وجود دارد. بدین ترتیب پارسونز توجه ما را به سوی اهمیت الگوهای آرایش فضایی اشیاء در جهان فیزیکی برای واقعیت‌های اجتماعی سوق می‌دهد (افروغ، ۱۳۷۷، ص ۴۳).

وی معتقد است که موقعیت‌ها در جهان فیزیکی به دلیل اهمیت اجتماعی‌شان با اهمیت ترند. پارسونز موقعیت‌های ناحیه ای مختلف را بر حسب موقعیت‌شان بر طیفی از پایین تا بالا طبقه بندی می‌کند. پایین‌ترین سطح و واحد را ناحیه تعامل چهره به چهره تشکیل می‌دهد: ناحیه ای فیزیکی که با دامنه ای از بعد شنیداری و دیداری مستقیم محدود می‌شود. بالاترین سطح نیز ناحیه ارضی و جغرافیای اقتدار ملی است. پارسونز اعلام کرد که فراگرد تمایز، یک رشته مشکلات تازه را برای یکپارچگی جامعه به بار می‌آورد. به موازات تکثیر خرده نظام ها و تخصصی شدن آن ها جامعه با مسائل تازه ای در زمینه هماهنگ سازی عملکردهای این واحدها روبرو می شود. برای اداره کردن خرده نظام های پراکنده تر به مجموعه مهارت‌ها و قابلیت‌های گسترده تری نیاز است. قابلیت های تعمیم یافته مردم نیز باید از این قید و بندهای انتسابی رها گردد تا جامعه بتواند از این قابلیت‌ها استفاده کند(ریتزر، ۱۳۷۴،ص ۱۴۲).

پارسونز معتقد است کارکرد های مناسب هر یک از خرده نظام‌های فرهنگ، اجتماع، شخصیت، اقتصاد و ارتباط و کنش متقابل بین آنها عامل کنترل کننده هرجامعه و همچنین عامل بقا و پایداری نظام اجتماعی است. در مقابل، عدم تعادل و بی سازمانی در هریک از خرده نظام ها حیات جامعه را تهدید کرده زمینه را برای رفتار انحرافی فراهم می سازد. از دید پارسونز، نهادها و سازمان‌های اجتماعی، عوامل اجرایی و ابزارهای جامعه پذیری الگوهای رفتاری و درونی ساختن آنها در افراد هستند (اسماعیلی، ۱۳۸۹، ص۱۰) در صورتی که نهادها و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

سازمان‌های کارگزار جامعه پذیری نظیر خانواده، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی کارایی لازم را نداشته باشند، جامعه دچار بی‌سازمانی اجتماعی گردیده و پیامد آن شیوع رفتار انحرافی در جامعه است (سهامی و احمدی، ۱۳۷۹، ص۱۲۵) از این رو می‌توان گفت، دلبستگی به خانواده که نشان‌دهنده‌ی آرام بودن خانواده و نیز صمیمیت بین اعضای خانواده بالاخص نوجوانان و والدین است، می‌تواند به کاهش بزهکاری منجر شود (مشکانی ، ۱۳۸۱، ص۱۳).

نظریه تقسیم کار و نظم اجتماعی دورکیم

دورکیم اولین کسی بود که مفهوم آنومی یا نابسامانی را که عبارتست از شرایط به هم ریخته و درهم و برهمی که در آن هنجارهای اجتماعی ضعیف می شوند و از بین می روند یا در تضاد با یکدیگر قرار می گیرند و هم در فرد و هم در جامعه تجلی پیدا می کند، وارد جامعه شناسی کرد. بر اساس نظریه آنومی می‌توان گرایش جوانان حاشیه نشین را به انجام رفتارهای کجروانه تبیین کرد که بر اساس آن جامعه از یک طرف اهداف و ارزش های مطلوبی را به شیوه های مختلف تبلیغ می کند و از طرف دیگر و سائل دسترسی به این اهداف به طور مساوی در اختیار همگان قرار ندارد، در نتیجه افراد محروم پیوسته از راه‌های غیر مشروع خواستار دستیابی به اهداف مطلوب هستند و به این ترتیب ارزش های فرهنگی مطلوب جامعه مورد خدشه قرار می گیرد (رفیع پور، ۱۳۷۶، ص۷۵) همچنین دورکیم با تاکید بر دو مفهوم انسجام مکانیکی و ارگانیکی بسیاری از مسائل و مشکلات شهری را از این منظر مورد بررسی قرار داد. با توجه به نظر وی چنین مستفاد می‌شود که در شهرهای بزرگ انسجام ارگانیکی حاکم است ولی مهاجرین تازه وارد که از روستا و مکان‌های اجتماعی کوچکتر به شهر مهاجرت می‌کنند از نگرش جامعه مکانیکی برخوردارند (آرون، ۱۳۸۱، ص۳۶۲).

دورکیم توسعه شهرنشینی تحت تاثیر افزایش مهاجرت را از جمله عوامل موثر بر خارج شدن جوانان از نظارت بزرگترها می‌داند که طی آن از اهمیت و نفوذ سالمندان کاسته شده و بر سرعت تغییرات و تحولات اجتماعی افزوده می‌شود. به باور وی در شهرهای بزرگ، سنت از هر جای دیگری کمتر بر اندیشه‌ها و عواطف مردم تسلط دارد و هر روزه ما در آن شاهد پیدایش رفتارهای تازه و حتی مغایر خواست اکثریت هستیم (دورکیم، ۱۳۸۱، ص ۲۶۴). دورکیم، علت همه رفتارهای غیرعادی را در محیط اجتماعی جستجو می کند و در نهایت عقیده دارد که جرم یک پدیده طبیعی و اجتماعی است و بین جرم و فرهنگ محل وقوع جرم ارتباط وجود دارد (مساواتی آذر، ۱۳۷۴، ص۱۷). دورکیم با اظهار نظرات خویش راه را برای بررسی محیط های متفاوت که در

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

آن مجرمین و غیرمجرمین زندگی می کنند هموار کرد و تحقیقات گسترده ای توسط جامعه شناسان و جرم شناسان در خصوص تاثیر محیط بر وقوع جرایم صورت پذیرفت.

روش تحقیق

در تحقیق حاضر از روش پیمایش استفاده شده است. همچنین، برای تدوین چارچوب نظری تحقیق و مروری بر تحقیقات پیشین، از روش کتابخانه‌ای (اسنادی) نیز بهره گرفته شده است. ابزار جمع آوری داده‌ها، پرسشنامه بوده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و واریانس بدست آمده از پیش آزمون با سطح اطمینان ۹۵ درصد ۳۰۰ نفر محاسبه شد. برای محله حاشیه نشین یحیی آباد تعداد ۱۵۰ پرسشنامه و برای محلات غیر حاشیه نشین نیز ۱۵۰ پرسشنامه تکمیل گردید. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS از روش‌های آماری توصیفی (جداول توزیع فراوانی) و آماره‌های استنباطی (آزمون آماری تی دو گروه مستقل[1] و واریانس دو طرفه[2]) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

متغیرهای این تحقیق دو دسته‌اند: متغیر وابسته و متغیرهای مستقل. متغیر وابسته این تحقیق میزان گرایش به بزهکاری و متغیرهای مستقل شامل محل سکونت، سطح سواد، شغل، درآمد، پایگاه اقتصادی –اجتماعی و وضعیت کالبدی می‌باشد.

محل سکونت: در سطح اسمی دو حالته اندازی‌گیری شده و گزینه‌ها شامل حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین می‌باشد.

سطح سواد؛ در سطح رتبه‌ای چند حالته اندازه گیری شده و گزینه‌ها و مقادیر آن‌ها شامل بی سواد، ابتدایی، سیکل، دیپلم، لیسانس و بالاتر می‌شود.

شغل: در سطح اسمی چند حالته اندازه گیری شده و گزینه های آن عبارتنداز کارگر، کشاورز، کارمند، مغازه دار، راننده و بیکار

درآمد؛ در سطح رتبه‌ای اندازه گیری شده و گزینه های آن عبارتنداز کمتر از ۲۰۰ هزار، ۲۰۱تا۲۵۰هزار ، ۲۵۱ تا ۳۰۰هزار، ۳۰۱ تا ۴۰۰ هزار و ۴۰۱ هزار تومان به بالا.

پایگاه اقتصادی- اجتماعی؛ جایگاهی است که هر فرد بر اساس مرتبه شغلی، سطح تحصیلات و میزان درآمد خود در جامعه کسب می‌کند. در این تحقیق، اطلاعات مربوط به میزان تحصیلات، میزان درآمد، شغل پاسخگویان مورد بررسی قرار گرفت.

1. Dependent Samples Test
2. Two - way Analysis of Variance

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

وضعیت کالبدی؛ در سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری شده و گزینه‌های آن عبارتند از مساحت منزل، مصالح ساختمانی بکار رفته در منزل، تعداد طبقات و تعداد اتاق‌ها.

انحراف یا کجروی اجتماعی: در این تحقیق با استفاده از ۱۸ گویه با طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت (خیلی کم تا خیلی زیاد) این متغیر مورد سنجش قرار گرفته است.

اعتبار و روایی

در تحقیق حاضر، جهت افزایش درجه اعتبار، از روش صوری استفاده شده است (هومن، ۱۳۷۶ :۲۲۸). بدین منظور، پرسشنامه بعد از تدوین در اختیار صاحب نظران، متخصصان و استادان قرار گرفت و پس از جمع آوری نظرات آن‌ها، اصلاحات لازم انجام شد. برای تعیین روایی این تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است (ساروخانی، ۱۳۸۲: ۱۵۱). در این تحقیق میزان آلفای محاسبه شده (۰/۷۸) عدد مطلوبی است و می‌توان گفت که دقت لازم برای احراز پایایی سازه‌ها در پرسشنامه به کار گرفته شده و گویه‌های طراحی شده برای سنجش متغیرها با یکدیگر همبستگی درونی دارند.

منطقه مورد مطالعه

شهر آران و بیدگل در ایران مرکزی، در ناحیه بیابانی و نیمه بیابانی و در قسمت شمال استان اصفهان با ۶۰۵۱ کیلومتر مربع وسعت واقع شده است. این شهر با طول جغرافیایی ۵۱ درجه و ۲۹ دقیقه شرقی و عرض جغرافیایی ۳۴ درجه و ۴ دقیقه شمالی از جنوب به کاشان، از شرق به ابوزیدآباد کویرات، از غرب به نوش آباد و از شمال به کویر مرکزی ایران و دریاچه نمک منتهی می‌شود (شکل ۱). بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، جمعیت این شهر ۵۵۸۳۳ نفر بوده است (نیک اندیش، ۱۳۸۸ :۱۸). منطقه حاشیه نشین یحیی آباد از سال ۱۳۸۲ در قسمت جنوبی شهر آران و بیدگل و حدفاصل بین دو شهر کاشان و آران و بیدگل شکل گرفته است. ساکنین این منطقه از مهاجرین روستایی شهرهای مذکور و همچنین افراد غیر بومی شامل اقوام (کرد، لر و ترک) تشکیل می شود(شکل ۲).

جدول (۱) اطلاعات جمعیتی محدوده‌های مورد مطالعه در سال ۱۳۸۵

منطقه	جمعیت	بعد خانوار	بار تکفل	نسبت جنس	درصد باسواد	درصد بی‌سواد	تراکم نفر در واحد مسکونی
شهر آران و بیدگل	۵۵۸۳۳	۳/۶	۱/۱	۱۰۱	۸۴/۶	۱۵/۴	۳/۶
محله حاشیه نشین یحیی آب	۶۱۸	۴/۰۱	۲/۱	۱۲۰	۸۱/۶	۱۸/۴	۴/۵

ماخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

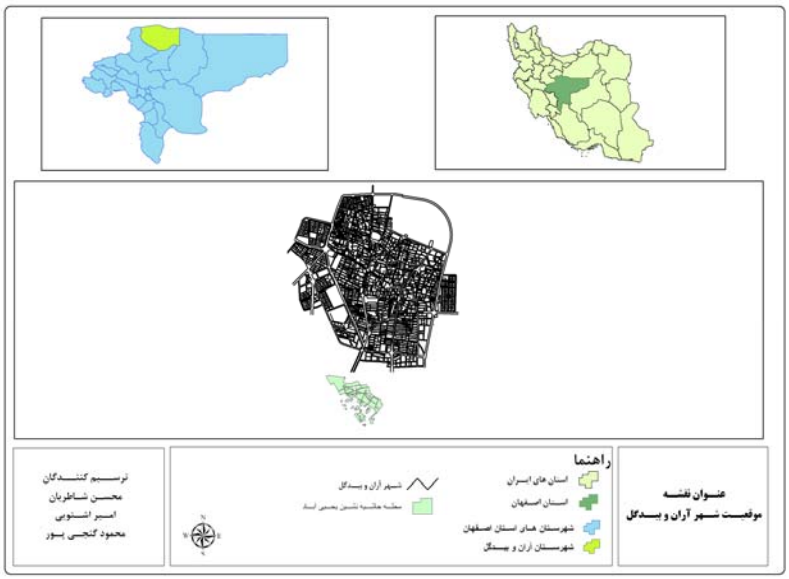

شکل (۱) موقعیت شهر آران و بیدگل

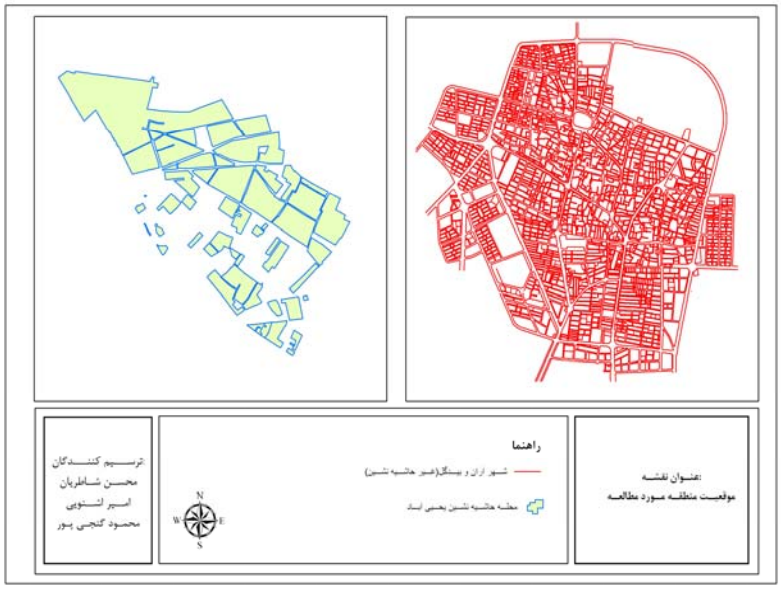

شکل (۲) موقعیت شهر آران و بیدگل و محله حاشیه نشین یحیی آباد

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

توصیف داده ها

با توجه به نتایج به دست آمده، در مورد ویژگی‌های نمونه مورد بررسی ۵۴/۳ درصد پاسخگویان مرد و ۴۵/۷ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. ۴/۷٪ بی‌سواد، ۲۲/۷٪ تحصیلات ابتدایی، ۲۰٪ سیکل، ۳۲٪ دیپلم و ۲۰٪ دارای مدرک دانشگاهی‌اند. از نظر اشتغال، ۴۱٪ کارگر، ۲۳/۷٪ در بخش دولتی، ۲٪ در بخش کشاورزی، ۹/۷٪ راننده، ۴٪ مغازه دار و ۱۹/۷٪ مشاغل متفرقه و بیکارند. از نظر درآمد، ۱۳٪ کمتر از دویست هزار تومان، ۶/۳٪ بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار تومان، ۷٪ بین ۲۵۱ تا ۳۰۰ هزار و ۲۸٪ بین ۳۰۱تا۴۰۰ هزار تومان و ۴۳٪ بیشتر از ۴۰۱ هزار تومان درآمد دریافت کرده‌اند. ۷۱٪ از پاسخگویان بومی و از داخل منطقه و ۲۹٪ از پاسخگویان غیر بومی (اغلب از قوم کرد، ترک و لر) هستند. در جدول (۲) توزیع فراوانی و درصد گرایش به انحراف و کجروی اجتماعی در ۱۸ گویه به تفکیک دو محله مورد مطالعه آورده شده است.

جدول(۲) توزیع فراوانی گرایش به انحراف اجتماعی در محلات حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین

گویه	حاشیه نشین			غیر حاشیه نشین		
	کم	متوسط	زیاد	کم	متوسط	زیاد
مصرف سیگار	۱۹/۹	۲۲/۵	۵۷/۶	۷۰/۵	۲۹/۵	-
مصرف مواد مخدر	۲۱/۹	۲۵/۸	۴۹/۷	۷۷/۲	۲۲/۸	-
تخریب اموال عمومی	۵۱	۲۵/۲	۲۳/۲	۶۷/۸	۱۷/۴	۱۴/۸
تقلب در امتحان	۲۹/۸	۱۵/۲	۵۵	۵۹/۱	۴۰/۹	-
مصرف مشروبات الکلی	۴۹/۷	۲۷/۲	۲۳/۲	۹۲/۶	۷/۴	-
مزاحمت در محله	۴۹/۷	۲۰/۵	۲۹/۸	۵۸/۲	۱۴/۸	-
خارج ماندن از منزل تا نیمه شب	۳۱/۸	۴۱/۷	۲۶/۵	۷۷/۹	۲۲/۱	-
تماشای فیلم مستهجن	۵۷/۶	۳۰/۵	۱۱/۹	۵۹/۱	۱۶/۱	۲۲/۱
فحاشی و کلمات رکیک	۴۷	۲۳/۲	۲۹/۸	۸۴/۶	۱۵/۴	-
نافرمانی از والدین و توهین به آنها	۵۵	۱۸/۵	۲۶/۵	۸۹/۹	۱۰/۱	-
شرط بندی و قماربازی	۷۴/۲	۱۹/۹	۶	۸۴/۶	۱۳/۴	۲
استفاده از ماهواره	۴۶/۴	۲۴/۵	۲۹/۱	۴۳/۶	۵۶/۴	-
دزدی و سرقت	۵۸/۳	۲۹/۸	۹/۳	۸۷/۹	۱۰/۱	-
خرید و فروش موادمخدر	۵۱/۷	۲۱/۹	۲۶/۵	۷۴/۵	۲۵/۵	-
اخراج از مدرسه و کلاس درس	۸۰/۸	۲/۶	۱۶/۶	۸۷/۹	۱۲/۱	-
رعایت حقوق دیگران	۴۳/۷	۲۷/۸	۲۸/۵	۱۲/۱	۴۰	۴۰/۹
رعایت قوانین جامعه	۳۲/۵	۴۲/۴	۲۵/۲	۲۲/۱	۳۲/۹	۴۵
فرار از مدرسه	۷۷/۵	۱۱/۳	۱۱/۴	۹۷/۳	۲/۷	-

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

از ترکیب ۱۸ گویه انحرافات و کجروی های اجتماعی ابعاد انحرافات اجتماعی حاصل شده است. در جدول (۳) توزیع درصد پاسخگویان به تفکیک حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین مشاهده می‌شود. ۸/۶ درصد پاسخگویان بیان داشتند که در منطقه حاشیه نشین میزان گرایش به انحرافات اجتماعی به میزان زیادی وجود دارد، در صورتی که این مقدار در منطقه غیر حاشیه نشین ۵/۴ درصد می‌باشد. بنابراین، میزان گرایش به انحرافات اجتماعی در منطقه حاشیه نشین بیش از منطقه غیر حاشیه نشین می‌باشد.

جدول (۳) توزیع فراوانی گرایش به انحرافات اجتماعی در مناطق حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین

ابعاد	حاشیه نشین			غیر حاشیه نشین		
	کم	متوسط	زیاد	کم	متوسط	زیاد
انحرافات اجتماعی	۵۵/۶	۳۵/۸	۸/۶	۷۵/۲	۱۹/۵	۵/۴

آزمون فرضیات

فرضیه ۱: بین محل سکونت پاسخگویان و انحرافات اجتماعی رابطه وجود دارد.

برای اطمینان از معناداری تفاوت‌های مشاهده شده در زمینه انحرافات و کجروی اجتماعی در دو محله از آزمون تفاوت میانگین‌ها استفاده شده است. نتایج آزمون در جدول (۴) نشان می‌دهد میانگین انحرافات اجتماعی در محله غیر حاشیه نشین برابر ۲/۱۶ و در محله حاشیه نشین برابر ۲/۵۸ می باشد. از این رو، تفاوت میانگین‌ها در بین دو گروه به لحاظ آماری با توجه به (sig=۰/۰۰۲) و (t=-۳/۱۶۲) معنادار است. بنابراین می توان گفت که میزان انحرافات اجتماعی در محله حاشیه نشین یحیی آباد بیشتر از محلات غیر حاشیه نشین شهر آران وبیدگل است.

جدول(۴): آزمون برابری میانگین‌های انحرافات اجتماعی و حاشیه نشینی

ابعاد	میانگین		مقدار T محاسبه شده	درجه آزادی	معناداری	اثبات فرضیات
	حاشیه نشین	غیر حاشیه نشین				
انحرافات اجتماعی	۲/۵۸	۲/۱۶	-۳/۱۶۲	۲۹۸	۰/۰۰۲	تایید فرضیه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

فرضیه ۲: بین محل سکونت و محیط کالبدی با انحرافات اجتماعی رابطه وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از تحلیل واریانس دوطرفه استفاده شده است. محل سکونت و محیط کالبدی بر حسب میانگین انحرافات اجتماعی همراه با F مورد محاسبه قرار گرفت (جدول ۵).

جدول(۵) تحلیل واریانس دو طرفه محل سکونت، محیط کالبدی و انحرافات اجتماعی

محل سکونت	میانگین انحرافات اجتماعی	تعداد	محیط کالبدی	میانگین انحرافات اجتماعی	تعداد
حاشیه نشین	۲/۵۸	۱۵۰	مساحت منزل	۲/۴۶	۶۲
			مصالح ساختمانی	۲/۲۸	۱۹۰
غیر حاشیه نشین	۲/۱۶	۱۵۰	تعداد طبقات	۲/۷۹	۴۴
			تعداد اتاق‌ها	۱	۴
منبع تغییرات	درجه آزادی		متوسط انحرافات	مقدار F	معناداری
اثر محل سکونت	۱		۳۶/۹۲۱	۳۰/۵۱۲	۰/۰۰۰
اثر محیط کالبدی	۴		۳/۳۷۸	۲/۷۹۲	۰/۰۲۷
اثر متقابل محل سکونت و محیط کالبدی	۴		۹/۶۵۹	۷/۹۸۲	۰/۰۰۰

در تحلیل واریانس دوطرفه تاثیر دو متغیر مستقل(دو یا چند وجهی) بر متغیر وابسته مطالعه می شود. بدین ترتیب در واقع دو اثر اصلی و متقابل وجود دارد. دراثر اصلی تاثیر هر یک از دو متغیر مستقل بر متغیر وابسته، صرف نظر از ارتباطشان با همدیگر سنجیده می شود، اما در اثر متقابل، تاثیر همزمان و یکباره دو متغیر مستقل بر متغیر وابسته سنجیده می‌شود(غیاثوند، ۱۳۸۷، ص۱۱۷). ملاک معنی دار بودن فرضیه نیز اثر متقابل و همزمان دو متغیر مستقل بر متغیر وابسته است. به همین خاطر در تست فرضیات مختلف برخی متغیرها معنی داری متفاوتی را از خود نشان می‌دهد.

همانطور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود اثر اصلی متغیر محل سکونت (sig =۰/۰۰۰ و F=۳۰/۵۱۲) بر نمره انحرافات اجتماعی معنی‌دار است. یعنی به لحاظ آماری میانگین انحرافات اجتماعی در بین محله حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین (شهر آران و بیدگل) متفاوت است. محله حاشیه نشین یحیی آباد با میانگین ۲/۵۸ میزان انحرافات اجتماعی بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند. از طرف دیگر، اثر اصلی متغیر محیط کالبدی (sig =۰/۰۲۷ و F=۲/۷۹۲) بر

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

نمره انحرافات اجتماعی معنی دار است. یعنی به لحاظ آماری میانگین انحرافات اجتماعی در بین محیط کالبدی مختلف متفاوت است.

محل سکونت و محیط کالبدی نیز دارای اثری متقابل اند یعنی به لحاظ آماری تعامل بین محل سکونت و محیط کالبدی و تاثیر همزمان این دو متغیر مستقل بر متغیر انحرافات اجتماعی معنی‌دار است (sig =۰/۰۰۰ و F=۷/۹۸۲).

فرضیه ۳: بین محل سکونت و تحصیلات با انحرافات اجتماعی رابطه وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از تحلیل واریانس دوطرفه استفاده شده است. محل سکونت و تحصیلات بر حسب میانگین انحرافات اجتماعی همراه با F مورد محاسبه قرار گرفت (جدول ۶).

جدول(۶) تحلیل واریانس دو طرفه محل سکونت، تحصیلات و انحرافات اجتماعی

محل سکونت	میانگین انحرافات اجتماعی	تعداد	تحصیلات	میانگین انحرافات اجتماعی	تعداد
حاشیه نشین	۲/۵۸	۱۵۰	بی سواد	۲/۴۲	۱۴
			ابتدایی	۲/۵۲	۶۸
غیر حاشیه نشین	۲/۱۶	۱۵۰	سیکل	۲/۵۵	۶۰
			دیپلم	۲/۰۴	۹۰
			لیسانس و بالاتر	۲/۱	۶۰

منبع تغییرات	درجه آزادی	متوسط انحرافات	مقدار F	معناداری
اثر محل سکونت	۱	۷/۲۵۷	۵/۶۸۵	۰/۰۱۸
اثر سطح تحصیلات	۴	۲/۶۸۳	۲/۰۹۲	۰/۰۸۲
اثر متقابل محل سکونت و سطح درآمد	۴	۵/۸۶۹	۴/۵۷۵	۰/۰۰۱

همانطور که در جدول (۶) مشاهده می‌شود اثر اصلی متغیر محل سکونت (sig =۰/۰۱۸ و F=۵/۶۸۵) بر نمره انحرافات اجتماعی معنی دار است. یعنی به لحاظ آماری میانگین انحرافات اجتماعی در بین محله حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین (شهر آران و بیدگل) متفاوت است. محله حاشیه نشین یحیی آباد با میانگین ۲/۵۸ میزان انحرافات اجتماعی بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

از طرف دیگر، اثر اصلی متغیر سطح تحصیلات (sig =۰/۰۸۲ و F=۲/۰۹۲) بر نمره انحرافات اجتماعی معنی دار نیست. یعنی به لحاظ آماری میانگین انحرافات اجتماعی در بین سطح تحصیلات مختلف تفاوتی ندارد.

محل سکونت و سطح تحصیلات نیز دارای اثری متقابل اند یعنی به لحاظ آماری تعامل بین محل سکونت و سطح تحصیلات و تاثیر همزمان این دو متغیر مستقل بر متغیر انحرافات اجتماعی معنی دار (sig =۰/۰۰۱ و F=۴/۵۷۵) است. به عبارتی، میانگین نمره انحرافات اجتماعی در نقاط مختلف با سطح تحصیلات مختلف متفاوت است.

فرضیه ۴: بین محل سکونت و درآمد با انحرافات اجتماعی رابطه وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از تحلیل واریانس دوطرفه استفاده شده است. محل سکونت و میزان درآمد بر حسب میانگین انحرافات اجتماعی همراه با F مورد محاسبه قرار گرفت (جدول ۷)

جدول(۷) تحلیل واریانس دو طرفه محل سکونت ، درآمد و انحرافات اجتماعی

محل سکونت	میانگین انحرافات اجتماعی	تعداد	درآمد به هزار تومان	میانگین انحرافات اجتماعی	تعداد
حاشیه نشین	۲/۵۸	۱۵۰	کمتر از ۲۰۰	۲/۷۹	۴۱
			۲۰۱-۲۵۰	۲/۴۷	۲۱
غیر حاشیه نشین	۲/۱۶	۱۵۰	۲۵۱-۳۰۰	۲/۳۳	۲۳
			۳۰۱-۴۰۰	۲/۳۵	۸۵
			۴۰۱ و بیشتر	۲	۱۳۰
منبع تغییرات	درجه آزادی		متوسط انحرافات	مقدار F	معناداری
اثر محل سکونت	۱		۳/۴۱۶	۲/۷۷۶	۰/۰۰۹
اثر سطح درآمد	۴		۴/۸۳۰	۳/۹۲۵	۰/۰۰۴
اثر متقابل محل سکونت و سطح درآمد	۳		۵/۱۴۲	۴/۱۷۹	۰/۰۰۶

همانطور که در جدول شماره (۷) مشاهده می‌شود اثر اصلی متغیر محل سکونت (sig =۰/۰۰۹ و F=۲/۷۷۶) بر نمره انحرافات اجتماعی معنی دار است. یعنی به لحاظ آماری میانگین انحرافات اجتماعی در بین محله حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین (شهر آران و بیدگل) متفاوت است. محله حاشیه نشین یحیی آباد با میانگین ۲/۵۸ میزان انحرافات اجتماعی بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

از طرف دیگر، اثر اصلی متغیر سطح درآمد (sig =۰/۰۰۴ و F=۳/۹۲۵) بر نمره انحرافات اجتماعی معنی دار است. یعنی به لحاظ آماری میانگین انحرافات اجتماعی در بین سطح درآمدی مختلف متفاوت است. به طوری که سطوح درآمدی کمتر از ۲۰۰ و بین۲۵۰-۲۰۱ هزار تومان، به ترتیب با میانگین ۲/۷۹ و ۲/۴۷ بیشترین میزان انحرافات اجتماعی را به خود اختصاص داده‌اند.

محل سکونت و سطح درآمد نیز دارای اثری متقابل اند یعنی به لحاظ آماری تعامل بین محل سکونت و سطح درآمد و تاثیر همزمان این دو متغیر مستقل بر متغیر انحرافات اجتماعی معنی دار است (sig =۰/۰۰۰ و F=۷/۹۸۲). به عبارتی، میانگین نمره انحرافات اجتماعی در نقاط مختلف و سطح درآمدی مختلف متفاوت است.

فرضیه ۵: بین محل سکونت و پایگاه اقتصادی- اجتماعی شهروندان با انحرافات اجتماعی رابطه وجود دارد.

در این فرضیه نیز از تحلیل واریانس دو طرفه استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه در جدول(۸) آمده است.

جدول(۸) تحلیل واریانس دوطرفه محل سکونت، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و انحرافات اجتماعی

محل سکونت	میانگین انحرافات اجتماعی	تعداد	پایگاه اقتصادی - اجتماعی	میانگین انحرافات اجتماعی	تعداد
حاشیه نشین	۲/۵۸	۱۵۰	پایین	۲/۷۳	۶۷
			متوسط	۲/۲۸	۱۶۲
غیر حاشیه نشین	۲/۱۶	۱۵۰	بالا	۲/۲۶	۷۱
منبع تغییرات	درجه آزادی		متوسط انحرافات	مقدار F	معناداری
اثر محل سکونت	۲		۳/۸۷۸	۲/۹۸۵	۰/۰۰۵
اثر پایگاه اقتصادی- اجتماعی	۱		۱۱/۹۱۹	۹/۱۷۵	۰/۰۰۳
اثر متقابل محل سکونت و پایگاه اقتصادی- اجتماعی	۲		۴/۲۷۷	۳/۲۹۲	۰/۰۳۹

همانطور که در جدول شماره ۸ مشاهده می‌شود اثر اصلی متغیر محل سکونت (sig =۰/۰۰۵ و F=۲/۹۸۵) بر نمره انحرافات اجتماعی معنی‌دار است. یعنی به لحاظ آماری میانگین انحرافات اجتماعی در بین محله حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین (شهر آران و بیدگل) متفاوت

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

است. محله حاشیه نشین یحیی آباد با میانگین ۲/۵۸ میزان انحرافات اجتماعی بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند.

از طرف دیگر، اثر اصلی متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی (sig =۰/۰۰۳ و F=۹/۱۷۵) بر نمره انحرافات اجتماعی معنی‌دار است. یعنی به لحاظ آماری میانگین انحرافات اجتماعی در بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی مختلف، متفاوت است. به طوری که پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین با میانگین ۲/۷۳ بیشترین میزان انحرافات اجتماعی را به خود اختصاص داده‌اند.

محل سکونت و پایگاه اقتصادی-اجتماعی نیز دارای اثری متقابل‌اند یعنی به لحاظ آماری تعامل بین محل سکونت و پایگاه اقتصادی-اجتماعی و تاثیر همزمان این دو متغیر مستقل بر متغیر انحرافات اجتماعی معنی دار است (sig =۰/۰۳۹ و F=۳/۲۹۲). به عبارتی، میانگین نمره انحرافات اجتماعی در نقاط مختلف و پایگاه اقتصادی - اجتماعی مختلف، متفاوت است.

نتیجه گیری

پیامد گسترش شهرنشینی سریع در ایران، پیدایش شهرهای بزرگ و ایجاد مناطق حاشیه نشین با بافت نابسامان و مسکن نابهنجار می‌باشد. شهر آران و بیدگل نیز از این پدیده، بی نصیب نمانده است. در این تحقیق، سعی شد، تا تأثیر نوع محل سکونت بر میزان گرایش به انحرافات اجتماعی در دو محله حاشیه نشین و غیرحاشیه نشین مورد بررسی قرار گیرد. بررسی میانگین ساختار کالبدی، اقتصادی، اجتماعی دو محله مورد مطالعه نشان می‌دهد در همه زمینه‌ها محله یحیی‌آباد از مقدار عددی پایین‌تری نسبت به شهر آران و بیدگل قرار دارد.

یکی از یافته‌های این تحقیق تاثیر محل سکونت پاسخگویان به انحرافات اجتماعی بود. می-توان گفت که تمامی ناهنجاری‌های اجتماعی به هر نحو که از انسان سربزند، دارای بستر زمانی و مکانی منحصر به فرد است. به بیان دیگر، تمامی انحرافات و کجروی‌های اجتماعی دارای ظرف مکانی و زمانی خاصی است که آن‌ها را از یکدیگر متمایز می‌سازد. از این‌رو نوع، میزان و نحوه ارتکاب انحراف اجتماعی ارتباط تنگاتنگی با مکان و زمان وقوع آن دارد. نکته حائز اهمیت اینکه در این تحقیق ثابت شد که پاسخگویان در انتخاب محل انجام رفتارهای انحرافی منطقی و سنجیده عمل می‌کنند و مکان‌هایی خاص (مناطق حاشیه نشین) را بر می‌گزینند. آزمون برابری میانگین‌ها این موضوع را تایید می‌کند. انحرافات اجتماعی در محله حاشیه نشین با میانگین۲/۵۸ و در محلات غیر حاشیه نشین ۲/۱۶ است.

عامل دیگری که رابطه معنی‌داری با انحرافات اجتماعی داشت، تاثیر متقابل ساختار کالبدی و نوع محل سکونت بود. عمده ترین نماهای حاشیه نشینی چهره ظاهری آن است که احساس

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

وجدان انسانی را می آزارد. مقایسه میانگین وضعیت کالبدی در دو محله حاکی از نازلتر بودن آن در محله حاشیه نشین می‌باشد. نتایج آزمون واریانس دو متغیره نیز رابطه معنی‌داری را نشان می‌دهد (sig =۰/۰۰۰ و F=۷/۹۸۲).

تاثیر متقابل سطح تحصیلات و محل سکونت بر انحرافات اجتماعی عوامل دیگری بود که بررسی شد. با توجه به اینکه تحصیلات یکی از ارزش‌های تأیید شده در جامعه محسوب می-گردد و پیشرفت در آن، منزلت و موقعیت اجتماعی برای فرد به ارمغان می‌آورد. به عبارتی دیگر، یکی از ابزارهای مشروع در رسیدن به اهداف و ارزش‌های اجتماعی است. بنابراین اگر افراد از طریق برخورداری از تحصیلات بالا نتوانند به اهداف و ارزش‌های اجتماعی دسترسی یابند از طریق راه‌های نامشروع اقدام خواهند کرد و چنین است که زمینه انحراف پدید خواهد آمد. نتایج آزمون واریانس دو طرفه نیز برای متغیرهای مذکور موید رابطه معنادار آن‌هاست (sig =۰/۰۰۱ و F=۴/۵۷۵).

دیگر متغیرهایی که در این تحقیق از طریق آزمون واریانس دو طرفه مورد سنجش قرار گرفت درآمد و پایگاه اقتصادی- اجتماعی پاسخگویان بود. میانگین وضعیت اقتصادی- اجتماعی پاسخگویان نشان از وضعیت مطلوبتر محله غیر حاشیه نشین می‌باشد. بررسی آماری متغیرهای درآمد، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و محل سکونت با انحرافات اجتماعی نیز موید عملکرد متقابل این متغیرها می‌باشد (sig =۰/۰۰۰ و F=۷/۹۸۲ و sig =۰/۰۳۹ و F=۳/۲۹۲).

منابع و ماخذ

۱. آرون، ریمون (۱۳۸۱) **مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی**، ترجمه: باقر پرهام، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی تهران.

۲. ازکیا، مصطفی (۱۳۸۰) **جامعه شناسی توسعه**، انتشارات کیهان

۳. افروغ، عماد (۱۳۷۷) **فضا و نابرابری اجتماعی: ارائه الگویی برای جدایی گزینی فضایی و پیامدهای آن**، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.

۴. پارسونز، رابرت (۱۳۸۱) **اصول عام تکامل در جامعه، مدرنیته مفاهیم انتقادی جامعه سنتی و جامعه مدرن**، ترجمه منصور انصاری، انتشارات نقش جهان.

۵. پوراحمد، احمد (۱۳۸۲) **بررسی جغرافیایی جرایم در شهر تهران**، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، دانشگاه تهران، شماره ۴۴.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

۶. پیران، پرویز (۱۳۶۷) **آلونک نشینی در تهران**، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۷-۲۳.

۷. خاتم، اعظم و اطهاری، کمال (۱۳۸۶) **مدیریت یکپارچه و حل مسئله اسکان غیر رسمی**، انتشارت مرکز مطالعات و تحقیقات شهر سازی و معماری ایران.

۸. اسماعیلی، علیرضا (۱۳۸۹) **بررسی علل بزهکاری جوانان دراستان گلستان**، فصلنامه جامعه شناسی مطالعات جوانان، سال اول، پیش شماره ۲.

۹. دورکیم، امیل (۱۳۸۱) **درباره تقسیم کار اجتماعی**، ترجمه باقر پرهام، ویراست دوم، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.

۱۰. ربانی، رسول و ربیعی، کامران (۱۳۸۹) **حاشیه نشینی و فضای شهری: بازتولید اجتماع غریبه ها مطالعه موردی: محله عرب‌های ملک شهر اصفهان**، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره سوم، صص ۴۳- ۶۳.

۱۱. رفیع پور، علی (۱۳۷۶) **توسعه و تضاد**، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

۱۲. رتیزر، جورج (۱۳۷۴) **نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر**، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی.

۱۳. زاهد زاهدانی، سید سعید (۱۳۸۰) **حاشیه نشینی**، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه شیراز.

۱۴. ساروخانی، باقر (۱۳۸۲) **روش تحقیق در علوم اجتماعی**، جلد اول، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۱۵. سهامی، سوسن و احمدی، حبیب (۱۳۷۹) **بزهکاری و خرابکاری**، فصلنامه تازه‌های روان-درمانی، شماره ۱۷.

۱۶. شکویی، حسین (۱۳۶۵) **جغرافیای اجتماعی شهرها**، چاپ اول، انتشارات جهاد دانشگاهی تهران.

۱۷. غیاثوند، احمد (۱۳۸۷) **کاربرد آمار و نرم افزار SPSS در تحلیل داده‌ها**، چاپ سوم، نشر لویه.

۱۸. فولادیان، احمد (۱۳۸۵) **حاشیه نشینی و انحرافات اجتماعی**، فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن، دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، شماره ۹.

۱۹. کوئن، بروس (۱۳۷۰) **درآمدی بر جامعه شناسی**، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات فرهنگ معاصر

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

۲۰. مرکز آمار ایران (۱۳۸۵) **سرشماری عمومی نفوس و مسکن** ۱۳۸۵.

۲۱. مساواتی‌آذر، مجید (۱۳۷۴) **آسیب شناسی اجتماعی ایران (جامعه شناسی انحرافات)**، انتشارات نوبل تبریز.

۲۲. مشکانی، محمدرضا، مشکانی، زهرا سادات (۱۳۸۱) **سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان: آزمون تجربی نظریه ترکیبی کنترل اجتماعی و پیوند افتراقی**، جامعه شناسی ایران، شماره ۱۴.

۲۳. موسوی، سید یعقوب (۱۳۷۸) **تبیین تئوریک و جامعه شناختی جرایم شهری**، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۴۳ و ۱۴۴.

۲۴. مهاجرین، رضا (۱۳۸۷) **تاثیر حاشیه نشینی بر میزان بزهکاری در کلان شهرها**، چاپ اول، انتشارات جنگل.

۲۵. نصیری، معصومه (۱۳۸۲) **اعتیاد و رابطه آن با مشاغل شهری**، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۰.

۲۶. نیک اندیش، نسرین (۱۳۸۸) **جغرافیای شهرستان آران و بیدگل**، انتشارات مرسل.

۲۷. هومن، حیدرعلی (۱۳۷۶) **شناخت روش علمی در علوم رفتاری**، انتشارات سمت.

Amy k. and Mark J. Mc Donn (2005) ***Selecting Independent Measure to Quantity, Melbourne Urban- Rural Gradient***, Lanurb, Plan Journal, No 5.

Asian Social Issues program (۲۰۰۱) http://ww.asiasource.org /asip/about. CFM.

Coit, K. (1994) ***Self – Help Housing for The Poor, A Cross, Cultural Study***, Cities, No 11.

Haralambos, M. Holborn, M. (1990) ***Sociology: Themesand Perspectives***. London: Broadwick.

Hemmasi.M and Kessler.T (1997): ***An Application of CIS to Spatial Determinants of Crime Rates in Fargo Proceeding of the North Dakota***, Academy of Science, Vol 51.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

Henderson, J.V. (2003) ***Urbanization, Economic Geography, and Growth***, Brown University Mimeo.

Montgomery, M. Stren, R. Cohen, B. (2003) ***Cities Transformed Demographic Change and Its Implications in the Developing World***, National Academies Press.

McKay, C. and Shaw, H. (1962) ***Ecological analysis of delinquency in Chicago***. In: Marvin, E. W. et al. (Eds.). The Sociology of Crime and Delinquency. New York: John Wiley & Sons.

Nahiduzzaman, kh. (2006***) Housing the Urban Poor: Planning, Business and Politics, A Case Study of Duaripara Slum, Dhaka city***, Bangladesh, Department of Geography, Faculty of Social Sciences and Technology Management, Norwegian University of Science and Technology (NTNU).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]